

## زندگی خدا-انسان برای احيای جدید

خواندن متون مقدس: لاویان ۱: ۳، ۹؛ ۶: ۸-۱۳؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛

۱ یوحنا ۳: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲: ۶؛ ۴: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۲-۳؛ رومیان ۸: ۲

۱. خواست قلب خدا این است که «راستی [واقعیت] در عیسی» (افسیسیان ۴: ۲۱)، وضع واقعی زندگی خدا-انسان عیسی همانطور که در چهار انجیل ثبت شده است، توسط روح واقعیت در بسیاری از اعضای بدن مسیح تکثیر شود تا به واقعیت بدن مسیح، بالاترین قله در اقتصاد خدا، برای احيای جدید تبدیل شود (آ. ۲۰-۲۴):

آ. چهار انجیل نشان دهندة الگوی زندگی مورد نظر خدا، قالب زندگی‌ای که می‌تواند خدا را راضی کرده و مقصود او را برآورده کند هستند. عیسی زندگی‌ای را زیست که در آن همه چیز را در خدا، با خدا، و برای خدا انجام می‌داد؛ خدا در زیستن او بود و او با خدا یک بود؛ این معنای «راستی [واقعیت] در عیسی» است؛ آموختن مسیح به عنوان واقعیت در عیسی، قالب‌گرفته شدن در الگوی مسیح و همشکل شدن به صورت مسیح است - رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۱.

ب. ما در حال به کمال رسیدن توسط خداوند هستیم تا خدا-انسانها باشیم و با انکار حیات طبیعی خود طبق نمونه مسیح به عنوان اولین خدا-انسان، زندگی الهی را زیست کنیم - متی ۱۱: ۲۹؛ ۱۷: ۵؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱:

۱. او در زندگی خود بر زمین، الگویی برپا کرد، همانطور که در چهار انجیل آشکار شده است. سپس او مصلوب شد و رستاخیز کرد تا روح حیات بخش شود که بتواند وارد ما شده و حیات ما باشد. ما طبق سرمشق او، نه با حیات طبیعی خود، بلکه با او به عنوان حیاطمان در رستاخیز، از او می‌آموزیم - ۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵؛ کولسیان ۳: ۴.

۲. زندگی مسیحی ما، زندگی در مسیح و همچنین زندگی مسیح در ماست؛ ما در مسیح به عنوان قالب هستیم و او در ما به عنوان زندگی ما؛ به این ترتیب ما مسیح را به عنوان واقعیتی که در عیسی است، می‌آموزیم؛ این واقعیت، واقعیت بدن مسیح است - ۱ قرن‌تیاں ۱: ۳۰؛ ۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۷؛ ۱۲: ۱۲؛ ۲۲: ۲۷؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۸: ۱۰.

پ. همانطور که عاشق خداوند هستیم، با او تماس می‌گیریم، و به او دعا می‌کنیم، به طور خودکار او را مطابق با قالب، شکل و الگویی که در انجیلها توصیف شده است، زیست می‌کنیم. به این ترتیب ما به صورت این قالب شکل می‌گیریم، همشکل می‌شویم - این معنای آموختن مسیح است - متی ۱۱: ۲۹؛ رومیان ۸: ۲۹.

ت. وقتی در روح آمیخته زندگی می‌کنیم، مسیح را طبق واقعیت در عیسی و توسط روح واقعیت می‌آموزیم. ما از او به عنوان نمونه خود یاد می‌گیریم تا زندگی‌نامه او به تاریخ ما تبدیل شود. زیستن بدن مسیح به عنوان انسان نو باید دقیقاً همان زیستن عیسی باشد که در انجیلها آشکار شده است - غلاطیان ۶: ۱۷-۱۸؛ رومیان ۱: ۱، ۹؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۴؛ فیلیپیان ۲: ۵؛ متی ۱۱: ۲۹؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱.

ث. مقصود خدا از فرستادن خداوند عیسی به عنوان یک انسان این بود که او زندگی خدا-انسان را توسط حیات الهی داشته باشد. وقتی او را می‌خوریم، به او زندگی می‌کنیم تا یک انسان بزرگ عالمی شویم که دقیقاً مثل اوست - انسانی که زندگی خدا-انسان را توسط زندگی الهی دارد - مراثی ۳: ۲۲-۲۴، ۵۵-۵۶؛ مکاشفه ۲: ۴، ۷؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳؛ ارمیا ۱۵: ۱۶؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۵.

۲. تنها زندگی‌ای که مورد خشنودی خداست، زندگی‌ای است که تکرار زندگی مسیح بر زمین باشد. این زندگی‌ای است که مسیح را در تجربیات او به عنوان قربانی سوختنی تجربه می‌کند - لاویان ۱: ۹؛ یوحنا ۸: ۲۹؛ ۲ قرن‌تیاں ۵: ۹:

آ. قربانی سوختنی، نماد مسیح در زندگی‌اش که به طور مطلق برای خدا و برای رضایت خداست را نشان می‌دهد. قربانی سوختنی همچنین نماد مسیح است که آن حیاتی است که مردم خدا را قادر به داشتن چنین زیستنی می‌سازد - لاویان ۱: ۳؛ اعداد ۲۸: ۲-۳؛ یوحنا ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸؛ ۸: ۲۹؛ عبرانیان ۱۰: ۵-۱۰.

ب. کلمه ترجمه شده «قربانی سوختنی» به چیزی اشاره دارد که در حال صعود است؛ این صعود به مسیح اشاره دارد (لاویان ۱: ۳، ۱۰، ۱۴)؛ تنها چیزی که می‌تواند از زمین به سوی خدا صعود کند، زندگی مسیح است، زیرا او آن شخص منحصر به فرد است که یک زندگی به طور مطلق برای خدا داشت (یوحنا ۶: ۳۸).

پ. قربانی سوختنی «عطر [رایحه] خوشبو به جهت خداوند» بود (لاویان ۱: ۹)؛ کلمات عبری ترجمه شده «عطر خوشبو» به طور تحت الفظی به معنای «رایحه استراحت یا رضایت» است. رایحه رضایت‌بخش، رایحه‌ای است که رضایت، آرامش و استراحت می‌آورد. چنین رایحه رضایت‌بخشی، مسرتی برای خداست.

ت. حیات مسیح در درون ما، واقعیت قربانی سوختنی است - این حیات، حیات اطاعت، حیات تسلیم و حیات کاملاً وابسته به خدا بر طبق اصل درخت حیات است - فیلیپیان ۲: ۸؛ یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰؛ عبرانیان ۵: ۸؛ عبرانیان ۱۰: ۷.

۱. عمل انسان به تنهایی و مستقل، جدا و خارج از خدا، گناه است. خدا می‌خواهد ما در همه چیز طبق دستورالعمل‌های او عمل کنیم - مزامیر ۴۰: ۷-۸؛ ۱ یوحنا ۳: ۴.

۲. «هر آینه به شما می‌گویم هر که ملکوت خدا را مثل طفل نپذیرد، داخل آن نگردد» (لوقا ۱۸: ۱۷)؛ خدا می‌خواهد ما همیشه مثل یک کودک باشیم زیرا او می‌خواهد ما همیشه به او وابسته باشیم. اعتماد به نفس، دشمن وابستگی به خداست.

ث. با گذاشتن دست‌هایمان بر مسیح به عنوان قربانی سوختنی از طریق دعای مناسب، ما به او می‌پیوندیم، و او و ما یک می‌شویم؛ همانطور که مسیح در ما زندگی می‌کند، او زندگی‌ای را که بر روی زمین داشت، زندگی قربانی سوختنی، در ما تکرار می‌کند - آ. ۴؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۲۰.

ج. در چنین اتحاد، چنین شناسایی، تمام ضعف‌ها، نقص‌ها و خطاهای ما توسط او برگرفته می‌شود - ۲ قرنتیان ۵: ۲۱؛ غلاطیان ۲: ۲۰.

چ. ما باید به خداوند اجازه دهیم که ما را بسوزاند تا بتوانیم قربانی سوختنی مداومی برای سوزاندن دیگران باشیم و به خاکستر تبدیل شویم تا اورشلیم نو برای ابراز خدا شویم - مزامیر ۲۰: ۳؛ لاویان ۱: ۱۶؛ ۶: ۸-۱۳؛ ۱ قرنتیان ۳: ۱۲؛ مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲: ۲۱؛ ۱۰-۱۱، ۱۸-۲۱.

۱. خاکستر نشانگر مسیح است که به هیچ تبدیل شد؛ از آنجایی که ما با مسیح که به خاکستر تبدیل شده است یک هستیم، ما نیز به خاکستر تبدیل می‌شویم، یعنی به هیچ، به صفر تبدیل می‌شویم - مرقس ۹: ۱۲؛ اشعیا ۵۳: ۳؛ ۱ قرنتیان ۱: ۲۸؛ ۲ قرنتیان ۱۲: ۱۱.

۲. هرچه بیشتر در مرگ مسیح با او شناسایی شویم، بیشتر متوجه خواهیم شد که به توده‌ای از خاکستر تبدیل شده‌ایم؛ وقتی خاکستر می‌شویم، دیگر یک فرد طبیعی نیستیم؛ در عوض، فردی هستیم که مصلوب شده، خاتمه یافته و سوزانده شده است - غلاطیان ۲: ۲۰.

ح. قرار دادن خاکستر در سمت شرقی مذبح، سمت طلوع خورشید، اشاره‌ای به رستاخیز است - لاویان ۱: ۱۶؛ یوحنا ۱۱: ۲۵؛ فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۹.

۱. با مسیح به عنوان قربانی سوختنی، خاکستر، پایان نیست - آن آغاز است؛ خاکستر به این معناست که مسیح کشته شده است، ولی شرق به معنای رستاخیز است - مرقس ۹: ۳۱.

۲. هرچه بیشتر در مسیح به خاکستر تبدیل شویم، بیشتر به سمت شرق قرار خواهیم گرفت، و در شرق این اطمینان را خواهیم داشت که خورشید طلوع خواهد کرد و طلوع خورشید رستاخیز را تجربه خواهیم کرد - فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱.

خ. در نهایت، خاکستر به اورشلیم نو تبدیل خواهد شد - مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲: ۲۱، ۱۰-۱۱:

۱. مرگ مسیح ما را به پایان می‌رساند، ما را به خاکستر تبدیل می‌کند، و در رستاخیز، خاکستر به موادی نفیس برای بنای خدا تبدیل می‌شود - ۱ قرن‌تیا ۳: ۹، ب، ۱۲. آ.  
۲. وقتی چون خاکستر کاسته می‌شویم، به دگرگونی خدای سه‌یکتا وارد می‌شویم تا به موادی نفیس برای بنای اورشلیم نو تبدیل شویم - رومیان ۱۲: ۱-۲؛ ۲ قرن‌تیا ۳: ۱۸؛ مکاشفه ۲۱: ۲۱-۱۸.

۳. در انجام خدمتگزاری عهد جدید خدا، خداوند عیسی، به عنوان واقعیت قربانی سوختنی، هیچ کاری از خود انجام نداد (یوحنا ۵: ۱۹)، او کار خود را انجام نداد (۴: ۳۴؛ ۱۷: ۴)، او کلام خود را نگفت (۱۴: ۱۰، ۲۴)، او هیچ چیز را به خواست خود انجام نداد (۵: ۳۰)، و او جویای جلال خود نبود (۷: ۱۸)؛ او هرگز ناامید نشد زیرا فقط از خدا راضی بود (اشعیا ۴۲: ۴؛ ۵۰: ۴-۵؛ ۵۳: ۱۲؛ ر. ک. یوحنا ۴: ۱۳-۱۴؛ ۶: ۱۵؛ مرقس ۹: ۷-۸):

آ. زندگی خداوند، کار او، حرکت او و خدمتگزاری او بود؛ کار او، زیستن او بود، و حرکت او، وجود او بود؛ با او هیچ تفاوتی بین زندگی‌اش، کارش، حرکتش و خدمتگزاری‌اش وجود نداشت؛ خداوند عیسی خدمتگزاری خود را زیست - ر. ک. لوقا ۲۲: ۲۶-۲۷؛ یوحنا ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱؛ ۱ قرن‌تیا ۱۵: ۴۵؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۶؛ ۲ قرن‌تیا ۳: ۶؛ فیلیپیان ۱: ۲۵.

ب. خداوند عیسی انسان دعا بود؛ او اغلب به کوه می‌رفت یا برای دعا به مکانی خلوت [خصوصی] می‌رفت - متی ۱۴: ۲۳؛ مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۵: ۱۶؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۸.

پ. پس از معجزه غذا دادن به پنج هزار نفر، او شاگردان را مجبور کرد که او را ترک کنند تا بتواند زمان بیشتری برای دعای خصوصی به پدر داشته باشد - متی ۱۴: ۲۲-۲۳:

۱. ایستاده در جایگاه انسان (۴: ۴)، پادشاه آسمانی، به عنوان پسر محبوب پدر (۳: ۱۷)، نیاز داشت که به طور خصوصی به پدرش که در آسمان‌ها بود دعا کند، تا با پدر یک باشد و پدر را در هر کاری که بر زمین برای استقرار پادشاهی آسمان‌ها انجام می‌داد، با خود داشته باشد.  
۲. او این کار را نه در آن مکان متروک، بلکه بر کوه انجام داد و همه مردم، حتی شاگردانش را ترک کرد که بتواند تنها باشد تا با پدر تماس بگیرد.

ت. از آنجا که او مرد دعا بود که با خدا یک بود، هرگز تنها نبود، زیرا پدر با او بود. هر لحظه چهره پدرش را می‌دید - یوحنا ۵: ۱۹؛ ۱۶: ۳۲؛ مزامیر ۱۶: ۷-۸؛ ر. ک. ۲۷: ۸.

۴. وقتی در عشقی که خود خداست می‌مانیم، عشق «با ما کامل شده است تا در روز جزا ما را دلآوری باشد، زیرا چنانکه او هست، ما نیز در این جهان همچنین هستیم» (۱ یوحنا ۴: ۱۷)؛ مسیح به عنوان واقعیت قربانی سوختنی، در این دنیا حیات خدا را به عنوان عشق زیست، و او اکنون حیات ماست تا ما نیز بتوانیم همان حیات عشق را در این دنیا داشته باشیم و همان باشیم که او هست (۳: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲: ۶):

آ. قانون روح حیات در روح ما، قانون مسیح به عنوان قانون عشق است (رومیان ۸: ۲؛ غلاطیان ۲: ۶)؛ قانون عشق باید توسط قانون روح حیات ماهیت داده شود تا بتوانیم بارهای قلبی یکدیگر را تحمل کنیم؛ ولی اگر پر از غرور باشیم، قادر به تحمل بارهای قلبی دیگران نخواهیم بود زیرا خود را با این فکر که چیزی هستیم در حالی که هیچ نیستیم (آ. ۳) فریب می‌دهیم.

ب. وقتی قانون عشق در درون ما فعال می‌شود، ما به طور خودکار و خودبخود شبانانی خواهیم بود که قلب مهربان و بخشنده پدرمان خدا و روح شبانی و جستجوگر منجی‌مان، مسیح، را دارند - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ لوقا ۱۵: ۳-۷.

پ. وقتی قانون عشق در درون ما فعال می‌شود، زحمت ما در خداوند، زحمت عشق است (۱ قرن‌تیا ۱۵: ۵۸؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۳) که ما در آن «ضعفا را دستگیری می‌کنیم» (اعمال ۲۰: ۳۵) و «ضعفا را حمایت» می‌نماییم (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۴)؛ «ضعفا» به کسانی اشاره دارد که یا در روح یا روان یا بدن خود، یا در ایمان ضعیف هستند (رومیان ۱۴: ۱؛ ۱۵: ۱).

ت. پس از رستاخیزش، خداوند پطرس را شبانی کرد و به او مأموریت داد تا برهه‌هایش را خوراک دهد و گوسفندان‌ش را شبانی نماید. این پیوسته شدن خدمتگزاری رسالت با خدمتگزاری آسمانی مسیح برای مراقبت از گله خدا، کلیسا، است که منجر به بناسازی بدن مسیح برای تکمیل در اورشلیم نو جهت به انجام رسیدن اقتصاد جاودان خداست - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷.